

مسئولیت سازمان ملل متحد برای فعل‌های مغایر با موازین بین‌المللی
(بررسی تفصیلی گزارش شورای حقوق بشر سازمان ملل در خصوص جنگ غزه)

دکتر میرابراهیم صدیق* - سیدعبدالمحمد موسوی**

چکیده

در ۲۳ ژوئیه سال ۲۰۱۴، شورای حقوق بشر طی قطعنامه S-21/1، تصمیم به اعزام فوری کمیته مستقل تحقیق در خصوص جنگ غزه، برای ایجاد حقایق و تخلقات و جرایم مرتکب شده گرفت. چارچوب هنجاری برای کمیته تحقیق، حقوق بین‌الملل به ویژه قوانین حقوق بشر، حقوق بشردوستانه بین‌المللی و قوانین کیفری بین‌المللی می‌باشد. مقاله حاضر به بررسی گزارش منتشر شده، تجزیه و تحلیل مسئولیت سازمان ملل متحد و چگونگی عملکرد و اقدام مؤثر جامعه بین‌المللی در برابر فعل‌های مغایر با موازین بین‌المللی در این جنگ خواهد پرداخت. پرسش اصلی عبارت است از: سازمان ملل متحد و نهادهای وابسته به آن چه مسئولیتی در برابر جنگ ۲۰۱۴ غزه به عنوان فعلی مغایر با موازین حقوق بشری داشته و چه تأثیری می‌تواند بر موارد مشابه داشته باشد؟ فرضیه مورد آزمون: مسئولیت سازمان ملل متحد و نهادهای وابسته به آن برای فعل‌های مغایر با موازین بین‌المللی از جمله جنگ ۲۰۱۴ غزه، (۱) بررسی حقایق و تخلقات بین‌المللی، (۲) ارائه گزارش در خصوص جرایم ارتكابی و (۳) ترغیب جامعه بین‌المللی برای اقدام مؤثر و ملزم ساختن مسببین و مسئولین در برابر جرایم ارتكابی می‌باشد. عدم اقدام مؤثر جامعه بین‌المللی، زمینه را بیش از پیش برای انجام فعل‌های مغایر با موازین بین‌المللی در قالب بی‌ثباتی، نقض حقوق بشر و عدم پاسخگویی فراهم می‌آورد.

کلید واژگان: سازمان ملل متحد، گزارش شورای حقوق بشر، جنگ غزه، مسئولیت،

موازین بین‌المللی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

*. دکتر میرابراهیم صدیق، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام e.seddigh@gmail.com

** کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل

فصلنامه مطالعات بین‌المللی (ISJ)، سال دوازدهم، شماره ۴، بهار ۱۳۹۵، صص ۱۲۹-۱۱۳

مسئولیت سازمان ملل متحد برای فعل‌های مغایر با موازین بین‌المللی (بررسی تفصیلی گزارش شورای حقوق بشر سازمان ملل در خصوص جنگ غزه)

* میرابراهیم صدیق

** سیدعبدالمحمد موسوی

دیباچه

سازمان‌های بین‌المللی به عنوان مکانیسمی جهت دستیابی دولت‌ها به اهداف جمعی مطرح هستند که با توجه به نوع نگاه به اهداف، کارکردها، تشکیلات و غیره، قابل تقسیم‌بندی است. تا پیش از گسترش مفاهیم نهادها و سازمان‌های بین‌المللی، دولت‌ها به عنوان مهمترین (تنهاترین) کنش‌گران نظام بین‌الملل قلمداد می‌گردیدند، ولی با توجه به گسترش مفاهیم و نظریه‌های مختلف و به ویژه نظریه‌های فراملی‌گرایی و پلورالیسم بین‌المللی بر نقش عناصر دیگری مثل افراد، جنبش‌ها، سازمان‌های بین‌المللی مختلف (دولتی و غیردولتی)، شرکت‌های چند ملیتی و غیره، نیز به عنوان سایر کنش‌گران مهم تأکید گردیده، در نتیجه اعتقاد به تکثر

* دکتر میرابراهیم صدیق، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام e.seddigh@gmail.com

** کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل

فصلنامه مطالعات بین‌المللی (ISJ)، سال دوازدهم، شماره ۴، بهار ۱۳۹۵، صص ۱۲۹-۱۱۳

بازیگران شکل گرفت. سازمان ملل در طول حدود هفتاد سالی که از زمان تأسیس آن می‌گذرد، علیرغم همه ضعف‌ها، کاستی‌ها و تعلل‌هایی که داشته‌است، با این حال در زمینه‌هایی همچون پایان بخشیدن به برخی بحران‌های بین‌المللی، حل و فصل درگیری‌های قومی و قبیله‌ای، توسعه بهداشت، تغذیه گرسنگان، اسکان آوارگان، کارهای عمرانی، نظارت بر انتخابات، تقویت دموکراسی و بسیاری موارد دیگر، در نقاط مختلف دنیا نسبتاً موفق عمل کرده‌است. اما واضح و روشن است که توقع از مهمترین نهاد بین‌المللی که با هدف برقراری صلح و امنیت تأسیس گردید بسیار بیشتر از موارد فوق است. همچنان بسیاری از کنش‌های برخلاف موازین بین‌المللی که صلح و امنیت بین‌المللی را تهدید می‌نماید، صورت می‌گیرد و سازمان ملل متحد و رکن اصلی آن یعنی شورای امنیت واکنشی از نوع حداقلی نشان می‌دهد. یکی از نمونه‌های قابل بحث و بررسی، جنگ‌های اسرائیل بر علیه فلسطین و به طور مشخص تر نوار غزه است. عملکرد حداقلی نهادهای بین‌المللی در جنگ غزه (سال ۲۰۰۹-۲۰۰۸)، زمینه را برای جنگ فاجعه‌بارتر سال ۲۰۱۴ فراهم ساخت.

در ۲۳ ژوئیه سال ۲۰۱۴، شورای حقوق بشر طی قطعنامه S-21/1، تصمیم به اعزام فوری کمیته مستقل تحقیق برای بررسی تمام موارد نقض حقوق بشر دوستانه بین‌المللی و قوانین بین‌المللی حقوق بشر در اراضی فلسطین اشغالی، از جمله شرق بیت المقدس، به ویژه در نوار غزه اشغالی در چارچوب عملیات نظامی ۱۳ ژوئن ۲۰۱۴ چه قبل، در طی و یا بعد از آن، برای ایجاد حقایق و تخلفات و جرایم مرتکب شده گرفت تا مسببین و مسئولین در برابر این جرایم پاسخگو باشند. در این نوشتار سعی داریم ضمن بررسی مسئولیت سازمان ملل متحد در برابر افعال مغایر موازین بین‌المللی، به بررسی بی‌طرفانه‌ای این گزارش^۱ پردازیم. چارچوب هنجاری برای کمیته تحقیق، حقوق بین‌الملل به ویژه قوانین حقوق بشر بین‌المللی، حقوق بشر دوستانه بین‌المللی و قوانین کیفری بین‌المللی می‌باشد. بر این اساس در این مقاله به بررسی گزارش منتشر شده، تجزیه و تحلیل مسئولیت سازمان ملل متحد و چگونگی عملکرد و اقدام مؤثر جامعه بین‌المللی در برابر فعل‌های مغایر با موازین بین‌المللی در این جنگ خواهیم پرداخت. بر این اساس پرسش اصلی عبارت است از: سازمان ملل متحد و نهادهای وابسته به آن چه مسئولیتی در برابر جنگ ۲۰۱۴ غزه به عنوان فعلی مغایر با موازین حقوق بشری بین‌المللی داشته و چه تأثیری می‌تواند بر موارد مشابه داشته باشد؟

(۱) چارچوب نظری (۱-۱) نظریه سازه‌انگاری

سازه‌انگاری نظریه ساختاری (کلان) نظام بین‌الملل محسوب می‌شود که دولت‌ها، واحدهای اولیه تحلیل‌شان در نظریه‌های سیاسی هستند و سیستم بین‌الملل متشکل از دولت‌ها، دارای ساختاری می‌باشد که ویژگی بین‌الذهانی آن برجسته است و بخش مهمی از منافع و هویت دولت‌ها به وسیله این ساختار اجتماعی ساخته می‌شود^۲. یک تحلیل سازه‌انگار از مسأله همکاری، بیشتر بنیان شناختی دارد تا رفتاری، زیرا به شناختی بین‌الذهانی می‌پردازد که ساختار هویت و منافع، یعنی ساختار «بازی» را به مثابه امری برون‌زا نسبت به خود تعامل تعریف می‌کند و این تعامل نمونه‌ای از آن قرار می‌گیرد^۳. سازه‌انگاری همچنین تأکید اصلی خود را اساساً بر رابطه میان وابستگی متقابل غیرمادی و فهم هویت و اجتماع قرار می‌دهد. سازه‌انگاران معتقدند که شناخت جهان اجتماعی از طریق معانی و واقعیت‌های بین‌الذهانی^۴ میسر است، و در حقیقت آن چیزی که مردم به عنوان واقعیت می‌شناسند، از راه کنش اجتماعی حاصل می‌شود و بدین خاطر، کلیدواژگان قدرت و آگاهی، در هر دو دیدگاه، نقش کلیدی بازی می‌نمایند. کنش‌گران اجتماعی در تعاملی مبتنی بر قواعد و هنجارهای بین‌الذهانی، منجر به فهم اجتماع و جامعه می‌شوند^۵. راگی نیز سازه‌انگاری اجتماعی را، «آگاهی بشری و نقشش در امور بین‌الملل می‌داند که متکی بر بُعد بین‌الذهانی کنش بشری است^۶». جهان اجتماعی شبکه‌های تفسیری است که افراد و گروه‌های انسانی آنها را شکل می‌دهند.

به طور کلی انواع مختلف نظریه‌های سازه‌انگاری در سه اصل و مفروض مهم هستی‌شناختی مشترک هستند:

۱. دانشمندان طرفدار سازه‌انگاری، نظام بین‌الملل را «ساخته و پرداخته‌ای اجتماعی^۷» می‌دانند؛ یعنی نظام بین‌الملل چیزی جز نحوه اندیشیدن و تعامل انسان‌ها با یکدیگر نیست. آنان معتقدند نظام بین‌الملل چون ساخته و پرداخته‌ای اجتماعی است، جدای از برداشتی که انسان‌ها درباره آن دارند، موجودیتی ندارد^۸. از این منظر ساختارهای هنجاری و ایده‌ها، هنجارها و ارزش‌های بین‌الذهانی مشترک، تأثیر و نقش مهمی در سیاست بین‌الملل ایفا می‌کنند.

۲. با توجه به این که ساختارها به رفتار بازیگران اجتماعی و سیاسی، اعم از افراد و کشورها شکل می‌دهند، ساختارهای هنجاری یا انگاره‌ای (مانند فرهنگ، زبان، مذهب، گفتمان و غیره که هم جنبه شناختی دارند و هم جنبه ارزشی) به همان اندازه ساختارهای مادی حایز اهمیت هستند. واینر یکی از مهمترین گزاره‌های رهیافت سازه‌انگاری را این می‌داند که: «محیط جهانی تنها به عوامل مادی محدود نمی‌شود؛ بلکه فاکتورهای فکری و هنجاری نیز از اهمیت برخوردارند»^۹. پس در رویکرد سازه‌انگاری، هویت کنشگران یعنی «کیستی و چیستی» شان را هنجارها، ارزش‌ها و ایده‌های نهادینه در محیط آن شکل می‌دهند و متعاقب شکل‌گیری این هویت است که کنش‌گران می‌توانند منافعشان را تعریف کنند.^{۱۰}

۳. ساختار و کارگزار متقابلاً به هم شکل می‌دهند. رفتار یا کنش مفهوم‌مند تنها در یک فضای اجتماعی بین‌الذهانی مقدور و ممکن است. بازیگران، توسعه روابط و فهم خود را از دیگران بر شبکه‌ای از هنجارها و اعمال استوار می‌سازند.

بنابراین منافع مانند هویت‌ها از طریق عملکردهای اجتماعی حاصل می‌شود؛ به عبارتی در سازه‌انگاری هر چقدر هویت دولت‌های تشکیل دهنده نهاد بین‌المللی به یکدیگر نزدیک باشد که بتواند اصول و موازینی را بازتولید نمایند، از آن همکاری و نهاد بین‌المللی با استمرار بیشتری انتظار می‌رود؛ زیرا که در جهت منافع‌شان، آن نهاد بین‌المللی مسیر می‌پیماید. در سازه‌انگاری، تصمیم‌گیری در جامعه بین‌المللی در سه سطح صورت می‌گیرد که یکی از این سطوح مربوط به نهادهای رسمی بین‌المللی می‌شود. معتقدین به این نظریه همچون رئالیست‌ها و نئولیبرال‌ها که به دنبال پاسخ دهی به این سؤال مهم، که چرا قدرت‌های بزرگ به همکاری‌های خود در قالب نهادهای بین‌المللی ادامه می‌دهند در حالی که در ظاهر چندان نفع قابل اطمینانی از آن حاصل نمی‌آورند؟ و یا اینکه نهادهای بین‌المللی در نبود نفع قدرت‌های بزرگ باز هم دوام می‌یابند؟، بوده‌اند. سازه‌انگاران در این راستا معتقدند که اگر هویت‌های بازتولید شده توسط سازوکارهای اجتماعی تشکیل دهنده یک نهاد بین‌المللی، فراتر از واحدهای مبتنی بر یک نفع پیش‌رود، در این صورت حتی اگر قدرت و منافع آشکاری که شالوده آن نهاد بین‌المللی بوده نیز دگرگون شود، باز آن نهاد بین‌المللی پایدار خواهد ماند.

۲-۱) سازمان ملل متحد در رویکرد سازه‌انگاران:

برای سازه‌انگاران نوع رابطه دولت‌ها با یکدیگر و با دیگر بازیگران از جمله سازمان‌های بین‌المللی دارای اهمیت است؛ تعامل میان دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی در حقیقت یکی محوری‌ترین اصل تمرکز سازه‌انگاران را شکل می‌دهد، گرچه نباید فراموش کرد که امروزه دولت‌ها در تصمیم‌گیری‌های خود باید قوانین و قواعد بین‌المللی را لحاظ دارند. یکی از مهمترین تفاوت دیدگاه سازه‌انگاران با سایر رویکردها در نگاه به سازمان‌های بین‌المللی در اعتقاد آنان به تعامل میان سیاست داخلی (دولت‌ها) با سیاست بین‌الملل (سایر بازیگران از جمله سازمان‌های بین‌المللی) است که نهایتاً منتهی به شکل‌گیری جامعه بین‌المللی می‌گردد. نکته حائز اهمیت برای سازه‌انگاران در نوع رابطه دولت‌ها با سازمان‌های بین‌المللی نهفته است؛ تعامل میان این دو در حقیقت یکی از محوری‌ترین اصل تمرکز سازه‌انگاران را شکل می‌دهد، گرچه نباید فراموش کرد که امروزه دولت‌ها در تصمیم‌گیری‌های خود باید قوانین و قواعد بین‌المللی را لحاظ دارند. گرچه دولت‌ها به دلیل اینکه شکل‌دهنده ساختار بین‌المللی هستند همچنان به عنوان مهمترین بازیگر در تبیین تعاملات بین‌المللی به شمار می‌روند؛ ولی نکته قابل تأمل این است که دولت‌ها در ارتباط با سایر دولت‌ها و بازیگران به هویتی مستقل دست می‌یابند. هنجارها و ارزش‌های مشترک جهانی امکان همکاری بین‌المللی را بسیار افزایش می‌دهد. بنابراین جامعه بین‌الملل متشکل از دولت‌ها و سایر بازیگران است که باعث شکل‌گیری هویت جمع می‌گردد و هویت فردی بی‌معنا می‌باشد.

با اندکی تأمل و تعمق می‌توان اذعان نمود که سازه‌انگاران در نوع نگاه خود به نهادها و سازمان‌های بین‌المللی بسیار به نئولیبرالیست‌ها نزدیک هستند؛ هر دو جریان اعتقاد دارند که همکاری در یک محیط آنارشیک نیز، قابلیت امکان دارد؛ اما در این که همکاری به چه صورتی حاصل می‌شود و یا چه ابزارهایی در همکاری بیشتر دولت‌ها مؤثر هستند، تفاوت دیدگاه‌هایی وجود دارد. از نظر اکثر سازه‌انگاران، نهادهای بین‌المللی گوناگون (رژیم‌ها، قوانین و مقررات، معاهدات و سازمان‌های بین‌المللی) در ایجاد شرایط لازم همکاری مهم و کمک‌کننده هستند که نهایتاً در ایجاد اعتماد هر دولت در برقراری همیاری که منتهی به همیاری سایرین می‌شود، مؤثر است^{۱۱}.

در مقابل رویکردهای دولت محور، سازه‌انگاری نگاهی جامعه‌شناسانه را نسبت به مسائل سازمان ملل متحد ارائه می‌دارد. از دید سازه‌انگاران این سازمان توانسته است از طریق ایجاد نگاه بین‌الذهانی تا حدودی بر مشکلات خود فائق آید. سازه‌انگاران اظهار می‌دارند توجه به سازه اجتماعی در بسیاری از موارد از تمرکز بر روی مسائل قدرت سخت، کارآمدتر است و می‌تواند اعضای سازمان ملل متحد را برای رسیدن به یک هویت جمعی از طریق شکل‌گیری ویژگی بین‌الذهانی یاری رساند. از نظر بسیاری از صاحب‌نظران امروزه نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی، تقسیم جوامع و خشونت/برخورد تمدنی، بیماری‌های خطرناک چون ایدز، درگیری‌های خشونت‌آمیز، سوء استفاده از مقوله حقوق بشر، فقر، مهاجرت، نوسانات اقتصاد بین‌المللی، اختلالات درون اقتصادهای داخلی، درگیری و خشونت‌های اجتماعی جوامع (جنگ داخلی)، قاچاق مواد مخدر و غیره همگی از مواردی هستند که امنیت انسانی را تحت الشعاع قرار می‌دهند و با توجه به نگاه خاص نظریه سازه‌انگاری به اجتماع، هنجارها و هویت‌ها، ارتباط مناسب‌تری را نسبت به دیگر نظریه‌ها می‌تواند با امنیت انسانی که بخش قابل توجهی از اهداف و کارکردهای سازمان‌های بین‌المللی به ویژه سازمان ملل را تشکیل می‌دهد، برقرار نماید.^{۱۲} از نظر ماری رودول^{۱۳}، سازه‌انگاران در مورد مباحث بین‌المللی معتقدند که «حقوق بین‌الملل و دیگر اصول هنجاری پذیرفته شده جامعه بین‌المللی، مفاهیم اولیه حاکمیت را دگرگون کرده‌اند و مشروعیت قدرت دولت را به شدت تحت الشعاع قرار می‌دهند. طرفداران این رویکرد بر این باورند که ساختار جامعه بین‌المللی اجتماعی است و اراده یک دولت نمی‌تواند و نباید به عنوان یک عامل تأثیرگذار صرف در این روند تلقی شود».^{۱۴}

از دید سازه‌انگاران وجود هنجارهای مشترک در پوشش نهادهای بین‌المللی در جامعه بین‌المللی می‌تواند سودهای زیادی را برای جامعه جهانی به ارمغان آورد. وجود هنجارهایی مانند حقوق بشر نه تنها می‌تواند شهروندان را از مداخلات دولت محافظت نماید بلکه همچنین به طور فزاینده‌ای سبب تعریف «دولت متمدن»^{۱۵} در جهان مدرن می‌گردد. بنابراین کار در کمیته‌های (جوامع) امنیتی باعث شکل‌گیری هویت‌های مشترک می‌گردد که از امتیازات عضویت در نهادهای بین‌المللی به حساب می‌آید.^{۱۶} اصول و باورهای علی و هنجاری می‌تواند کارکردی سودمند برای بازیگران در محاسبات هزینه - فایده به ارمغان آورد.

۲) مسئولیت سازمان ملل متحد

استمرار جنگ‌های داخلی در گوشه و کنار جهان، یکجانبه‌گرایی قدرت‌ها، گسترش تروریسم، نقض گوناگون حقوق بشر، مسائل زیست محیطی و گرم شدن کره زمین، شیوع انواع بیماری‌های مسری و خطرناک همچون ایدز، توسعه نامتوازن اقتصادی - اجتماعی میان کشورهای توسعه یافته و سایرین، بحران مهاجرت، قاچاق انسان، اسلحه و مواد مخدر، افزایش جمعیت و غیره از جمله مخاطراتی هستند که امروزه جوامع بشری به طور عام و سازمان ملل متحد به عنوان بزرگترین و مهمترین نهاد بین‌المللی را به طور خاص به خود درگیر ساخته است.

نظام حاکم بر جنگ سرد واکنش‌های سازمان ملل را در زمینه تأمین امنیت از طریق همکاری محدود کرده بود و در این زمینه دیپلماسی بازدارنده یکی از قربانیان محسوب می‌شد. ابرقدرت‌ها برای حفظ منافع خود از مطرح شدن اختلافات جهانی قبل از تبدیل شدن آنها به تنازعات مسلحانه (و حتی بعد از آن) پرهیز می‌نمودند. اگر سازمان ملل متحد وارد صحنه می‌شد زمانی که در حقیقت نوشداروی پس از مرگ سهراب محسوب می‌گردید و طی آن حل مسالمت‌آمیز اختلافات بسیار بعید به نظر می‌رسید؛ عدم قاطعیت شورای امنیت و سست بودن مراحل تصمیم‌گذاری سیاسی در آن باعث می‌شد تا نتوانند از گسترش تنازعات جلوگیری به عمل آورد؛ زیرا دیر عمل می‌شد و اقدام نیز ناچیز بود.^{۱۷} اما سازمان ملل متحد در جامعه بین‌الملل بیش از هر چیز در روند تصمیم‌گیری‌های خود توانسته است مشروعیت بنیان‌های خود را در بحران‌های متعدد حفظ نماید.^{۱۸}

رژیم‌های بین‌المللی گاه خود را در قالب سازمان‌ها و نهادهای جهانی نشان می‌دهند و گاه در قالب مجموعه‌ای از گفتارها، رفتارها یا سازمان غیردولتی که مجموعه‌ای از هنجارها و قواعد را در درون خود دارند مانند رژیم جهانی حقوق بشر، خود را نمایان می‌سازند. این رژیم‌ها قواعد و ارزش‌هایی را به وجود می‌آورند که رفتارهای بازیگران بین‌المللی را تنظیم یا هدایت کرده و امکان مبادله، معامله و کنش متقابل میان آنها را فراهم می‌آورد.^{۱۹} رابرت جرویس در مقام منتقد رژیم‌ها معتقد است، «مفهوم رژیم‌ها نه تنها به هنجارها و انتظاراتی اشاره می‌کند که، همکاری را تسهیل می‌نماید، بلکه به شکلی از همکاری معطوف

است که بیشتر از یک همکاری، بر اساس منافع خودخواهانه کوتاه مدت است و به محض تغییر قدرت و منافع، رفتار نیز تغییر خواهد کرد^{۲۰}.

باید اذعان داشت که سازمان ملل متحد نقش ویژه‌ای در برابر رژیم‌های خودجوش و بین‌الذنهانی شکل گرفته بین‌المللی مانند حقوق بشر دارد. رژیم‌های خودجوش آن دسته از رژیم‌هایی هستند که بدون دخالت مستقیم دولت‌ها و افراد به وجود می‌آیند و در طول زمان به تدریج با گسترش اصول و هنجارها و یکسری قواعد در سطح بین‌الملل ایجاد می‌شوند، اطلاق می‌گردد، مانند رژیم حقوق بشر. به زعم اوران یانگ، رژیم‌های خودجوش بنا بر مقتضیات محیط شکل گرفته‌اند و ساخته و پرداخته افراد به خصوصی نبوده‌اند و مهمترین خصوصیت این رژیم‌ها آن است که در مقابل بحران‌های محیطی بسیار ناتوان هستند^{۲۱}. به دلیل ناتوانی رژیم حقوق بشر جهانی در برابر سیاست‌های کنشگران اصلی جامعه بین‌الملل یعنی دولت‌ها، نهادی مانند سازمان ملل متحد وظیفه پر اهمیتی می‌یابد؛ زیرا که ناخواسته در کانون نگاه‌ها و بحران‌های بین‌الذنهانی جامعه بین‌المللی قرار می‌گیرد. همواره قدرت‌ها و به ویژه هژمون در ایجاد رژیم و نقش‌آفرینی و دستیابی به اهداف تعیین شده نقش محوری دارند، به همین خاطر بازخورد حاصل از این رژیم، نقطه‌ی مقابل منافی است که بازیگران ضعیف‌تر نظام بین‌الملل برای خود ترسیم نموده‌اند.

در آخر باید به این نکته توجه نمود که با عنایت به تحولات جهانی و به ویژه شکل‌گیری فهم مشترک و بین‌الذنهانی از خطرات و تهدیدات بشری، موضوع اصلاح ساختار سازمان ملل متحد اکنون به یکی از جدی‌ترین مباحث بین‌المللی تبدیل شده است، زیرا سمت و سوی اصلاح این نهاد می‌تواند نمادی از نظم بین‌المللی آینده باشد. امروز بازنگری منشور سازمان ملل متحد و علی‌الخصوص اصلاح مقررات مرتبط با شورای امنیت، نظام بین‌الملل و حیات سازمان‌های بین‌المللی را در مقابل مرحله‌ی مهمی قرار داده است.

۳) شورای حقوق بشر و گزارش جنگ غزه (۲۰۱۴)

۱-۳) کلیات گزارش

رئیس شورای حقوق بشر سازمان ملل در ژوئیه ۲۰۱۴ سه کارشناس برجسته^{۲۲} را برای بررسی تحولات و جنگ غزه منصوب کرد. اعضای این کمیته به طور رسمی کار خود را در

۱۶ سپتامبر سال ۲۰۱۴ آغاز کردند. در شروع، اعضای این کمیته بارها و بارها از اسرائیل درخواست همکاری برای اجازه ورود به اسرائیل و فلسطین اشغالی، از جمله کرانه باختری، شرق بیت المقدس و نوار غزه را نمودند اما اسرائیل به هیچ یک از درخواست‌ها پاسخ نداد. همچنین این کمیته خطاب به دولت اسرائیل و دولت فلسطین یک لیست از سؤالات مربوط به حوادث خاص، مسائل قانونی و سیاست را ارسال نمود که تنها دولت فلسطین به درخواست‌ها پاسخ داد. در واقع اسرائیل اساساً هیچ همکاری‌ای برای تهیه این گزارش ننمود و آن را چه در حین تحقیقات و چه پس از انتشار به رسمیت نشناخته و انتقادات تندی نیز متوجه کمیته و گزارش نمود. در هر حال نتیجه این تحقیقات در قالب گزارشی در ۲۲ ژوئن ۲۰۱۵ توسط کمیته مستقل تحقیق سازمان ملل متشکل از "ماری مک گووان دیویس"، رئیس این کمیته و قاضی سابق دادگاه عالی نیویورک و "دو دو دینه"، کارشناس سنگالی ارائه شد و کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد^{۲۳} در ۲۴ ژوئن ۲۰۱۵ آن را منتشر نمود.^{۲۴} این گزارش متشکل از ۱۸۳ صفحه، ۸ بخش و ۶۸۵ پاراگراف است که سعی نموده است ابعاد مختلف جنگ ۵۱ روزه غزه در سال ۲۰۱۴ را مورد واکاوی قرار دهد.

کمیته تحقیق سازمان ملل مأموریت خود را برای بررسی اتهام موارد نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی در فواصل تاریخی ۱۳ ژوئن تا ۲۶ اوت ۲۰۱۴ در سراسر فلسطین اشغالی، به ویژه در غزه، متمرکز کرد. این کمیته هسته وظایف خود را بر روی قربانیان و حقوق بشر متمرکز نمود و بیشتر مستندات خود را، به دلیل جلوگیری اسرائیل برای سفر اعضای این کمیته به غزه و بیت المقدس از مصاحبه‌ها و گزارش سازمان‌های غیردولتی جمع‌آوری نمود. این کمیته برای جمع‌آوری اسناد مربوط به نقض حقوق کودکان، از سازمان‌های غیردولتی محلی و بین‌المللی و مصاحبه با پزشکان بهره برد و همین روال را برای جمع‌آوری اطلاعات در خصوص خصومت علیه زنان نیز به کار گرفت. در کل این کمیته و دبیرخانه آن بیش از ۲۸۰ مصاحبه با قربانیان و شاهدان انجام داد و بیش از ۵۰۰ اظهارنامه و اسناد کتبی از طیف گسترده‌ای از منابع (از جمله شاهدان عینی، گزارش‌های پزشکی و نظرات کارشناسی متخصصین اسلحه، تصاویر ماهواره‌ای، فیلم‌های ویدئویی و عکس‌های آرشیوی، دیدگاه‌های حقوقی متخصصان حقوق بین‌الملل) مورد استفاده کمیته تحقیق قرار گرفت.

۲-۳) چارچوب قانونی و یافته‌های اصلی گزارش

چارچوب هنجاری برای کمیته، حقوق بین‌الملل به ویژه قوانین حقوق بشر بین‌المللی، حقوق بشردوستانه بین‌المللی و در صورت امکان قوانین جنایی بین‌المللی بوده است. بنابراین کار کمیته بررسی جنگ غزه در چارچوب حقوق بشردوستانه بین‌المللی، قوانین بین‌المللی حقوق بشری و حقوق کیفری بین‌المللی انجام پذیرفته است.^{۲۵}

کارشناسان کمیته به موارد نقض آتش بس، حمله به غیرنظامیان و مراکز و خودروهای امدادی و همچنین بمباران کور مناطق غیرنظامی اشاره نموده و آن را از مصداق‌های جنایات جنگی دانسته‌اند. بر اساس حملات گروه‌های فلسطینی حدود ۷۳ نفر از اسرائیلی‌ها که عمده آنها نظامی هستند کشته شده‌اند. در یک جمع‌بندی کلی این گزارش اذعان نموده است که توان نظامی گروه‌های مسلح فلسطینی در سال‌های اخیر به طور چشمگیری بهبود یافته است. راکت‌ها و موشک‌های فلسطینی به راحتی می‌تواند برد ۲۰ کیلومتر را پوشش دهد و همچنین در سال‌های اخیر گروه‌های فلسطینی توانسته‌اند به موشک‌هایی با برد ۲۰۰ کیلومتر دست یابند.^{۲۶} بر اساس این گزارش اکثر موشک‌های فلسطینی بدون هدف مشخص شلیک شده‌اند و گروه‌های فلسطینی در خصوص تعداد کمی از حملات که ممکن بود غیرنظامیان مورد اصابت قرار گیرند هشدار داده است.

در این گزارش به جزئیات جنگ افروزی اسرائیل نیز در غزه پرداخته شده است. ارتش اسرائیل در این جنگ بیش از شش هزار حمله هوایی انجام داده‌اند^{۲۷} که در طی آن مناطق مسکونی و بسیاری از ساختمان‌ها (حدود ۴۲۰۰ ساختمان) مورد هدف قرار گرفته‌اند که طبق تصاویر ماهواره‌ای حدود نیمی از آنها به صورت کامل با خاک یکسان شده‌اند. طبق این گزارش پناهگاه‌های فلسطینی نیز بارها مورد اصابت موشک‌های اسرائیلی قرار گرفته‌اند. در حالی که حدود سیصد هزار نفر به ۸۵ مدرسه به عنوان پناهگاه اضطراری نقل مکان نموده بودند ۷ بار مورد حمله قرار دادند. گزارش کمیته تحقیق نشان می‌دهد که بیشتر حملات اسرائیل در طول شب که افراد در حال خواب بوده‌اند صورت گرفته است که تلفات غیرنظامیان و به صورت اعضای خانواده در کنار یکدیگر را به شدت بالا برده است. طبق این گزارش هدف قرار دادن خانه‌های مسکونی توسط اسرائیل به عمد و بدون اعلام

که بخشی از حقوق بین‌الملل بشردوستانه در زمان جنگ می‌باشد صورت گرفته است. (این در حالی است که مقامات اسرائیلی مدعی بوده‌اند خانه‌های مسکونی و بیمارستان‌ها را به دلیل وجود گروه‌های فلسطینی مورد حمله و اصابت موشک قرار داده‌اند). به نظر این کمیته، هرگونه تلاش اسرائیل برای توجیه این جنایات بی‌فایده است زیرا اصل تفکیک نظامیان از غیر نظامیان در حملات و جنگ‌ها از گزاره‌های کلیدی قوانین بین‌المللی بشردوستانه می‌باشد که کمترین توجهی به آنها نشده است. در هر حال بر اساس گزارش‌های سازمان‌های غیردولتی که مورد استناد کمیته قرار گرفته است، در جنگ غزه بیش از دو هزار و ۲۵۱ فلسطینی کشته شدند که از میان آنها حدود ۵۵۱ کودک و ۲۹۹ زن بوده‌اند. علاوه بر کشته‌شدگان، حدود یازده هزار و ۲۳۱ فلسطینی از جمله سه هزار و ۵۴۰ زن و سه هزار ۴۳۶ کودک در طول حملات اسرائیل مجروح شده‌اند که ۱۰ درصد آن‌ها از نقص عضو دائمی رنج می‌برند.^{۲۸} در این گزارش همچنین نقض آتش‌بس، حمله به غیرنظامیان، مراکز و خودروهای امدادی و همچنین استفاده از پروتکل هانیبال^{۲۹}، یعنی بمباران کور مناطق غیرنظامی را از مصداق‌های احتمالی ارتکاب جنایات جنگی توسط اسرائیل دانسته است.

نکته مهم در بخش اثرات جنگ غزه، برجسته‌سازی موضوع صلح و لزوم توجه به آن از سوی طرفین می‌باشد. در میان قربانیان فلسطینی آرزوی صلح مهم نشان داده شده است. در میان شاهدان اسرائیلی نیز نگرانی و ناراحتی آنها از جنگ که باعث اختلال در زندگی غیرنظامیان اسرائیلی شده و تأثیر سوء بر کسب و کار و اقتصاد آنان دارد برجسته می‌باشد. از نظر گزارش دهندگان کمیته، جنگ اثرات روانی سوء بر کودکان اسرائیلی گذاشته است.^{۳۰}

۴) مسئولیت سازمان ملل متحد در خصوص جنگ غزه:

پیروزی و شکست یا موفقیت و عدم موفقیت و مفاهیمی از این دست تماماً جزو مفاهیم نسبی هستند و هر پژوهشگر و نظریه‌پردازی به زعم دیدگاه خود آن را تعبیر، تحلیل و در نهایت ارائه نتیجه‌گیری می‌نماید. بی‌تردید از عوامل ناکام ماندن اکثر رژیم‌ها و قراردادهای بین‌المللی و به ثمر نرسیدن سعی و کوشش سازمان ملل متحد، حاکم بودن منطق قدرت و زور به جای حقوق و مقرارت بین‌المللی تفاهم شده می‌باشد.

شواهد و قرائن مختلف جامعه بین‌المللی (در این پژوهش مورد مطالعاتی جنگ غزه)

نشان می‌دهد که همچنان منطق قدرت بر حقوق بین‌الملل برتری دارد و موازین بین‌المللی توسط برخی کشگران نادیده انگاشته می‌شود که مسئولیت بین‌المللی سازمان ملل متحد را با سؤالات و تردیدهایی مواجه می‌سازد. منطق قدرت نشان داد با وجودی که گزارش کمیته تحقیق شورای حقوق بشر به نقش اسرائیل در کشتار صدها کودک فلسطینی اذعان نموده است اما در گزارش نهایی بان کی مون دبیرکل سازمان ملل، این نهاد بین‌المللی نام اسرائیل را از فهرست سالانه "ناقضان حقوق کودکان" حذف نموده و صرفاً از شهید و زخمی شدن کودکان فلسطینی در جریان جنگ غزه انتقاد کرد.

واقعیت این است که عدم اقدام مؤثر سازمان ملل متحد در تهاجم ۲۲ روزه سال ۲۰۰۹ اسرائیل به غزه، بار دیگر این امکان را برای این رژیم فراهم ساخت تا بار دیگر تجاوز سخت‌تری را به نوار غزه در سال ۲۰۱۴ آغاز نماید. قطعنامه ۱۸۶۰ شورای امنیت که روز ۸ ژانویه سال ۲۰۰۹ (دو هفته پس از آغاز تهاجم نظامی اسرائیل به غزه و با رأی ممتنع آمریکا) از سوی شورای امنیت صادر شد تنها در برگیرنده آتش بس و خروج نیروهای نظامی اسرائیل از غزه، گشایش یک کریدور برای کمک‌های انسان دوستانه و مواردی از این دست بود. با این حال با وجودی که در بند یکم مقدمه این قطعنامه، شورای امنیت با استناد به قطعنامه‌های ۲۴۲ (سال ۱۹۶۷)، ۱۳۳۸ (سال ۱۹۷۳)، ۱۳۹۷ (سال ۲۰۰۲)، ۱۵۱۵ (سال ۲۰۰۳) و ۱۸۵۰ (سال ۲۰۰۸) تأکید کرده بود که نوار غزه بخش جدایی ناپذیر سرزمین‌های اشغال شده در سال ۱۹۶۷ و بخشی از سرزمین دولت فلسطین است؛ اما عدم اقدام مؤثرتر برای مقابله با "اصل تجاوز و اقدام غیرقانونی اسرائیل" و همچنین "نقض واضح حقوق بشر" مسئولیت سازمان ملل متحد و مهمترین نهاد آن را زیر سؤال برد و زمینه برای تجاوزات بعدی فراهم گردید.

گزارش کمیته تحقیق اداره کمیساریای حقوق بشر سازمان ملل در خصوص جنگ غزه (۲۰۱۴) اذعان صریح دارد که حجم ویرانی‌ها، کشته شدگان، صدمات و غیره فلسطینی‌ها به نسبت اسرائیلی‌ها فاجعه‌بارتر است. کشته شدگان و مجروحان غیرنظامی به نسبت تعداد نظامیان بسیار بی‌سابقه است. این جنگ حدود ۵۰۰ هزار نفر آواره که معادل ۲۸ درصد جمعیت غزه هست بر جای گذاشت. این در حالی است که روند بازسازی مناطق ویران

شده (از جمله بیمارستان‌ها و مدارس) که از سپتامبر ۲۰۱۴ کلید خورده، متوقف یا به کندی پیش می‌رود. همچنین جنگ ۵۱ روزه بسیاری از زیرساخت‌های تأمین برق و آب غزه را با صدمات جدی روبرو ساخت. اقتصاد ضعیف غزه بر اثر این جنگ در آستانه فروپاشی قرار گرفت و بیکاری جوانان غزه به حدود ۶۰٪ (بالا‌ترین نرخ در جهان) رسید. بسیاری از ظرفیت‌های اقتصادی نابود شد، اعتماد بسیاری از سرمایه‌گذاران از دست رفت و به بسیاری از زمین‌های زراعی آسیب وارد شد. در کل اوضاع اقتصادی در نوار غزه وخیم است و در نتیجه محاصره، ۳۹ درصد از جمعیت زیر خط فقر هستند و بسیاری از حقوق بشر و اولیه مردم غزه مانند حق غذا، کار، بهداشت، آب و فاضلاب از بین رفته است. همچنین در گزارش کمیته حقوق بشر سازمان ملل، مهمات منفجر نشده جا مانده از حملات اسرائیل را تهدیدی برای امنیت جانی و روانی ساکنان غزه به شمار آورده است.

با تمامی کاستی‌های صورت گرفته از سوی سازمان ملل متحد و نهادهای مربوطه، گزارش کمیته تحقیق مقامات اسرائیلی و فلسطینی را موظف نموده است تا به اتهامات نقض حقوق بشر (بر اساس حقوق بین‌المللی، حقوق بشردوستانه بین‌المللی و قوانین حقوق بشر بین‌المللی) پاسخگو باشند. همچنین از دولت‌ها درخواست شده است که سازوکارهای پاسخگویی از جمله روندهای کیفری علیه عاملان و مظنونان جنایت، قانون کیفری بین‌المللی، اقدامات انضباطی و کمیسیون‌های تحقیق را بکارگیرند. این گزارش خواستار تحقیقات بیشتری در چارچوب استقلال، بی‌طرفی، نظم و دقت شده است.^{۳۱} همچنین در گزارش روش‌های مختلف سازوکاری را برای پاسخگویی اسرائیل تعبیه شده است. همچنین توصیه‌هایی از سوی نهادهای معاهده حقوق بشر سازمان ملل صورت گرفته است. بیشترین هدف این توصیه‌ها، ترغیب دولت‌ها برای انجام تحقیقات در برابر نقض حقوق بشر و سپردن مجرمان به دست عدالت برای محاکمه می‌باشد. این مسئله ابتدایی‌ترین و در عین حال اصلی‌ترین اقدامی است که می‌تواند از اتفاقات مشابه تا حدود زیادی پیشگیری نماید و موازین بین‌المللی را در حالت حداقلی آن به اجرا درآورد.

بر این اساس عاملان کمیته تحقیق معتقدند باید تحقیقات آزاد، مستقل و بی‌طرفانه برای نقض حقوق بشر عملیات نظامی در نواره غزه در سال‌های ۲۰۰۹-۲۰۰۸، ۲۰۱۲ و ۲۰۱۴

انجام پذیرد و عاملان جنایت در هر موقعیتی تحت پیگرد قانونی و تحریم قرار گیرند. اسرائیل طبق مقررات و معاهدات بین‌المللی که آنها را تصویب کرده موظف است که حقوق فلسطینیان را در سرزمین‌های اشغالی رعایت کند و حق هیچ‌گونه تعرضی را در زمان جنگ به غیر نظامیان ندارد. در غیر این صورت باید در برابر جنایت و جرایم خود به جامعه بین‌المللی پاسخگو باشد. این کمیته در بخش‌های مختلف این گزارش، از احساس مصون بودن از مجازات مقامات اسرائیلی در خصوص ارتکاب جرایم جنگی ابراز نگرانی کرده است. در ادامه همچنین به پاسخگویی دولت فلسطین اشاره شده و رضایت دولت خودگردان فلسطین برای ادامه تحقیقات در زمان صلح اعلام شده است.

دستاورد

امروزه با توجه به افزایش تعداد و انواع بحران‌ها و چالش‌های بین‌المللی، باید به ساز و کارهای استمرار نظم و قانون برای تمامی کنشگران جامعه بین‌المللی، زیر نظر سازمان ملل متحد توجه نمود. مسئولیت بین‌المللی سازمان ملل متحد روز به روز افزایش می‌یابد و توقع جامعه جهانی نیز از این سازمان به علت شکل گرفتن نگاه بین‌الذهانی مشترک در برابر مسئولیتش افزایش یافته است. عمل به وظایف پیش‌بینی شده در منشور ملل متحد و ایجاد ساز و کارهای لازم برای افزایش مسئولیت مهمترین نهاد بین‌المللی کنونی، می‌تواند موجب ارتقای جایگاه سازمان ملل متحد گردد؛ این در حالی است که عکس این گزاره نیز صادق می‌باشد. مسئولیت سازمان ملل متحد و نهادهای وابسته به آن برای فعل‌های مغایر با موازین بین‌المللی از جمله جنگ ۲۰۱۴ غزه، (۱) بررسی حقایق و تخلفات بین‌المللی، (۲) ارائه گزارش در خصوص جرایم ارتكابی و (۳) ترغیب جامعه بین‌المللی برای اقدام مؤثر و ملزم ساختن مسببین و مسئولین در برابر جرایم ارتكابی می‌باشد. عدم اقدام مؤثر جامعه بین‌المللی، زمینه را بیش از پیش برای انجام فعل‌های مغایر با موازین بین‌المللی در قالب بی‌ثباتی، نقض حقوق بشر و عدم پاسخگویی فراهم می‌آورد.

واقعیت این است جنگ ۵۱ روزه غزه و اشغال طولانی مدت کرانه باختری، شرق بیت‌المقدس و نوار غزه توسط اسرائیل و همچنین افزایش شمار حمله راکتی به اسرائیل، چشم‌انداز

سیاسی برای رسیدن به یک راه‌حل برای صلح و امنیت برای دو طرف و تحقق بخشیدن به حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین را با چالش روبرو می‌سازد. به باور بسیاری در قالب یک نگاه بین‌الادھانی مشترک، رهبران دو طرف درگیری و جامعه بین‌المللی باید قاطعانه‌تر به علل ریشه‌ای درگیری دست یابند که باعث بازگرداندن حقوق بشر، کرامت، عدالت و امنیت به تمام ساکنان این سرزمین و احقاق حقوق فلسطینی‌ها شود. این کمیته به عنوان زیر مجموعه‌ای از نهاد سازمان ملل متحد از تمامی احزاب، گروه‌ها به طور کامل خواسته است که به حقوق بشردوستانه بین‌المللی و قوانین حقوق بشری احترام بگذارند و حق همه قربانیان برای مراجعه مؤثر به این قوانین و اخذ غرامت تضمین شود. این کمیته همچنین از طرفین خواسته است تا از اظهارات احساساتی که به تحریک حس تنفر و تنها منجر به تداوم فرهنگ خشونت می‌شود خودداری نمایند. همچنین از دولت اسرائیل و دولت خودگردان فلسطین و گروه‌های مسلح فلسطینی خواسته شده است که زمینه را برای انجام تحقیقات در جهت نقض حقوق بشر در این مخاصمه فراهم نمایند. همچنین کمیته از جامعه بین‌المللی درخواست نموده است احترام به حقوق بشر و احترام به قوانین بین‌المللی بشردوستانه را در سرزمین فلسطین اشغالی و اسرائیل ترویج نمایند.

در کل باید اذعان نمود که شواهد و مستندات این گزارش و سایر گزارش‌های سازمان ملل که در خصوص جنگ‌های اسرائیل علیه مردم فلسطین به خوبی نشان می‌دهد که اسرائیل در طی سالیان طولانی اشغال این سرزمین همواره مرتکب جنایات هولناکی علیه زنان، کودکان و مردم بیگناه سرزمین‌های اشغالی شده است. به نظر می‌رسد عدم اقدام مؤثر جامعه بین‌المللی که در این گزارش همواره بر آن تأکید شده است، زمینه را بیشتر برای شروع جنگ توسط اسرائیل و بی‌ثباتی و متعاقب آن نقض حقوق بشر و بدتر از آن عدم پاسخگویی در برابر قوانین و مقررات بین‌المللی فراهم نموده است.

پی‌نوشت‌ها:

۱. برای دانلود متن اصلی گزارش کمیته تحقیق اداره کمیساریای حقوق بشر سازمان ملل در خصوص جنگ غزه (۲۰۱۴) مراجعه نمایید به لینک زیر:
<http://www.ohchr.org/EN/HRBodies/HRC/CoIGazaConflict/Pages/ReportCoIGaza.aspx>
2. Wendt, Alexander, (1994), "Collective Identity Formation and the International State", *American Political Science Review*, Vol. 88, No. 2, pp. 383-384.
۳. ونت، الکساندر، (۱۳۸۵)، "اقتدارگرایی چیزی است که دولت‌ها خودشان می‌فهمند: ساختهای اجتماعی سیاست قدرت"، در: اندرو لینکلتر، جامعه و همکاری در روابط بین‌الملل، ترجمه بهرام مستقیم، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ص ۶۳.
4. Intersubjective Communities
5. Onuf, Nicholas G., (1994), "The Constitution of International Society", *European Journal of International Law*, Vol. 5, No. 1, pp. 3-4.
6. Ruggie, John Gerard, (1998), *Constructing the World Polity: Essays on International Institutionalisation*, London: Routledge, p. 12.
7. Socially Constructed
۸. چرنوف، فرد، (۱۳۸۸)، نظریه و زبرنظریه در روابط بین‌الملل: مفاهیم و تفسیرهای متعارض، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی، ص ۱۴۴.
9. Wiener, Antje, (2003), "Constructivism: The Limits of Bridging Gaps", Available at: http://www.ciaonet.org/olj/jird/jird_sep03_wia01.pdf
۱۰. مشیرزاده، حمیرا، (۱۳۸۵)، «تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از منظر سازه-انگاری»، مجری طرح نسرين مصفا؛ با همکاری حسین نوروزی، نگاهی به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ص ۱۶.
11. Hopf, Ted; (1998), "The Promise of Constructivism in International Relations Theory", *International Security*, Vol.23, No.1, pp. 180-182.
12. Newman, Edward; (2001), "Human Security and Constructivism", *International Studies Perspectives*, Vol. 2, No. 3, pp. 249-250.
13. Mary Rodwell
14. Rodwell, Mary K., (1998), *Social Work Constructivist Research*, New York: Garland Publishing, pp. 77-80.
15. Civilized State
16. Adler, Emanuel and Micheal Barnett (Eds); (1998), *Security Communities*, Cambridge: Cambridge University Press.

۱۷. سیمبر، رضا و ارسلان قربانی شیخ نشین، (۱۳۸۷)، *روابط بین‌الملل و دیپلماسی صلح در نظام متحول جهانی*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، ص ۱۸۱.
۱۸. نووسلف، الکساندر، (۱۳۸۶)، «سازمان ملل متحد بعد از بحران عراق»، *پژوهشنامه سازمان‌های بین‌المللی (۱)*، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک، ص ۷۸.
19. Krasner, Stephen. D., (1983), *International Regimes*, New York & London: Cornell University Press, pp. 358-359.
20. Jervis, Robert, (1992), "The Future of World Politics: Will it Resemble the Past?," *International Security*, Vol. 16, No. 3, pp. 39-73.
21. Young, Orang, (1983), "Regime Dynamic: The Rise and Fall of International Regimes", In Stephen Krasner's, *International Regimes*, New York & London: Cornell University Press, pp. 92-94.
22. William Schabas, Mary McGowan Davis and Doudou Diène.
23. United Nations High Commissioner for Human Rights
۲۴. حکم این نهاد مشتق شده از بندهای ۱، ۳ و ۵۵ منشور ملل متحد می‌باشد که با ادغام کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد و مرکز حقوق بشر در تاریخ ۱۵ سپتامبر سال ۱۹۹۷ تحت عنوان کمیساریای عالی حقوق بشر در سازمان ملل متحد تأسیس گردید.
25. Human Rights Council, (24 June 2015), "Report of the detailed findings of the Commission of Inquiry on the 2014 Gaza Conflict", A/HRC/1//CRP.4, pp. 7-8.
26. <http://www.globalsecurity.org/military/world/para/hamas-qassam.htm>
27. Israel Ministry of Foreign Affairs, (30 May, 2015), IDF Conduct of Operations during the 1854 Gaza Conflict, p. 10, Available at: <http://mfa.gov.il/ProtectiveEdge/Documents/IDFConduct.pdf>
28. Human Rights Council, Op. cit, pp. 153-154.
29. Hannibal Protocol
30. Ibid, pp. 148-149.
31. Ibid, p. 162.